

تقریض و انتقاد

عالم جدید اسلام

نگارش شهزاده احمد علیخان درانی

مدیر انجمن ادبی

این کتاب که یکی از آخرین تصانیف نسبت به ادوار سیاسی اسلامی گفته می شود تصنیف ما هر سیاست معروف امریکه دکتور لوتراب استارد (۱) متشرق امریکائی است که بعد از وصول دپلومه فرائت قانون ، از دارالفنون « هاردر » قدم بعرضه سیاست گذاشت و درد امان همین دارالفنون مشغول بتصانیف و مطالعه سیاسیات دیده شد .

میخواستم ازین کتاب احوال بطل نامدار وطن سید جمال الدین افغانی را بصورت مجمل اقتباس کنم ولی خوبی تصنیف نگذاشت تنها حالات یک نفر را خوانده و دیگر آن را نا خوانده ازان عبور نمایم .

مصنف این کتاب اگر چه از میلان نسلی خود داری نتوانسته اکثریه از جانب مغرب دفاع مینماید ولی باید ما به انصاف خود ، او را يك مصنف حکم و يك مورخ منصف معرفی کنیم چه بگمان ما درین موضع تا حال چنین تحلیلات خوبتری بوجود نیامده لهذا امید داریم انگلیسی خوانان و مترجمین فاضل وطن این کتاب را کجایه زبان وطنی پوشانده بر تاریخ سیاست اسلامی يك احسان عظیم بنمایند .

این کتاب مشتمل است بر يك مقدمه کوچک (ولی جامع) و نه فصل و يك نتیجه که خالص همه را میخواهیم در تبصره بیان کنیم .

مقدمه :

مصنف در مقدمه خود به علل عروج و زوال اسلام بحث میکند . اگر چه علل زوال عالم اسلام

(۱) Lothrop Stoddard این مصنف دو تصنیف عمده دگر هم دارد که یکی آن :

The rising tide of colour against white world - supremacy

نمونه جات رنگین بر علیه سیادت دنیائی سفید و دگر The Revolt against Civilisation

انقلاب بر علیه تمدن است .

بسیار است و درین اسرار بی نهایت خروج معتزله را هم در اسباب مهمه زواله اسلامی شمار کرده و لی تصریح مینماید که از باعث اختلاط عناصر غیر عربی نه همینکه خلافت را شده به حکومت شخصی بغداد و دمشق مبدل شده قوای سیاسی اسلام را متشتت و پراگنده ساخت بلکه تفکرات نسلی قبائل غیر عرب در شکل مقتدا برستی بر برها ، اختلاف عقائد فرق مختلفه و عقیده همه اوست ، هند اهلیت مخصوصی حاصل نموده توحید خالص اسلام را منسوخ گردانید .

نزد مصنف اثتدار اترک هم از مهم ترین اسباب زوال اسلام بوده است ؟

فصل اول :

مشمول است بر تفصیل بحمل آن تحریکات که علل و اسباب نشأة ثانیه اسلام میباشد .
 قنزل اسلام از قرن سوم هجرت آغاز میشود و در سیزدهم به تنها رسیده از توجات بیداری از عرب ظاهر میگردد یعنی قبائل نجیبیه اعراب که از مطلق العنانی خلفای دمشق و بغداد متأثر گردیده در قلب صحرا پناه آورده و حریت بدویانه خود را محافظه نمودند ، و میگویند چون اخلاق و رسوم خالصانه عرب از همه زیاد درجده قائم بماند لهذا ابتدای تحریک بیداری اسلام در شکل و هایت از همین جابر خواسته اگر چه مصنف از تنگ نظری و تعصب سخت این مردم شکایتی دارد ولی بعقیده او این تحریک در حقیقت اصلاح خالص است « اما با وجود این اقرار و تحریکات جماعه نجد بر مظفریت معتزله آزاد خیال یقین کنی دارد زیرا میگویند که آنها اسلام را به علوم عصری مطابقت میدهند ، قسمت اخلاقی این تحریک نجدی ها را میگویند که یوما فیوما مقبول شده میبود ولی اترک قوه سیاسی این تحریک را از دست یک سردار خود محمد علی (۱) پاشا به سقوط رسانیدند ولی اخگرهای این آتش سید احمد بر بلوی در سردهند ، و جنگ آزادی ۱۸۵۷ هند را درد هلی بروز داد .

فصل دوم : مشتمل بر اتحاد اسلام است که سه داعی مهم دارد (۲) عبد الوهاب نجدی

شیخ سنوسی ، سید جمال الدین افغانی و عوامل مخصوص این تحریک خلافت و حج است .
 اروپا و نمایان بزرگ را مطیع خایفه دیده آرا بابا تصور نمودند ولی نزد مصنف این کتاب میانی تحریک اتحاد اسلام در نظام خلافت مضر نیست بلکه برای پیدا کردن اثرات

(۱) بانی خانواده خدیویه (۲) این حکومت مذهبی در ۱۸۳۰ ع از دست سکهافنا شد نیزجوش جهاد را در کابل از اثر همین نتایج می گویند .

آن حج بسیار دخیل است یعنی هر سال گرد کعبه مقدسه اجتماع نمودن مسلمانان هر دیار و هر تمدن، هر نسل و هر زبان محرک اتحاد با همی است حتی که عبدالوهاب، محمد بن سنوسی و جمال‌الدین افغانی (که مبلغین بزرگ بیداری عالم اسلام شناخته میشوند) اهمیت حج بیت الله را حسن نمودند. تحریک اتحاد اسلام یک جز لازمی تحریک نجدی هاست. اگرچه این تحریک در آغاز یک نوع احتجاج بر علیه بستی اخلاقی حکمرانان اسلامی بوده ولی تسلسل فتوحات اروپا روی این طوفان را جانب خود تغییر داد از ۱۸۷۰ ع در تمام عالم اسلام خلاف اهل مغرب یک گونه خوف و نفرت زیاد شده در ۱۸۷۱ ع کشمکش هیجانانگیز از جانب مهدویت مصر، سودان، الجزایر، وجوش و خروش فرقه نقشبندیه آسیای وسطی و خروج های علاقه جنونی در هند و ترکستان چینی نتیجه همین نفرت بشمار می‌رود این تحریکات تنظیم نداشتند ولی در آغاز قرن نوزده برای دور انداختن سلسله حکومت‌های اروپائی جدوجهد متحد شروع شد که نظام یک هست آن رنگ خالص اسلامی داشت و آل فرقه سنوسیه (۱) بود، و دوم تحریک اتحاد اسلام از مساعی عالی سید جمال‌الدین افغانیست.

تحریک اول :- زاویه‌های سنوسی‌های افریقه حالاً محض صورت یک خاتقاه را ندارند بلکه هر زاویه دارای یک وکیل یا عامل ملکی می‌باشد و از همین باعث است که در هر زمین افریقه علاوه از حکومت‌های استعماری اروپا یک سلطنت قوی شوکت مخفی هم قائم شده است که تا حال بجز دکتور ناشیگل احدی از اروپائی‌ها مگر حقیقی سنوسی‌ها را ندیده است زیرا سنوسی‌ها حرکت را بر نشان دادن مسکن شیخ خود ترجیح می‌دهند. ظاهراً است که اثر شیخ در افریقه روز بروز رو به تراشد (۲) نهاده و علاوه ازین در عرب نیز رسوخ بسیاری دارد. ترقی جوش و مستقل این فرقه خیلی مستحکم است زیرا که سنوسی‌ها در فریب توسیع قبل از وقت نیامده وقتار سلیم دارند.

وکلای مقدس این فرقه از مدرسه‌ها و زاویه‌های خود مردم را در حلقه این اخوت شامل می‌سازند و حبشی‌های افریقه جنوبی نیز به تعداد میلیونها مسلمان شده می‌رود.

(باقی دارد)

(۱) چنین اخوت‌های صوفیانه در اسلام از عرصه بسیار وجود دارند ولی در قرن نوزدهم عیسوی چنانکه گفته شد سیاست نیز با مذهب توأم گردید.

(۲) شاید در هنگام تحریر این تصنیف دوری حال چنین نیست بلکه گفته می‌توانیم که قوت فرقه سنوسیه روز بروز کاسته و کم شده می‌رود.